اطلاع رسانی
نشریه فنی موزه‌های تاریخی ایران
دوره نهم شماره یک و دو ۱۳۸۴

نکاتی چند درباره چکیده و چکیده نویسی

نوشته جلال مسواط

در دوره هایی از انتشار مجله چکیده در زمینه علوم اجتماعی که مستندی آن به‌هده
نگازندی بود، ضمن بحث و گفتگو با همکاران چکیده نویس، همچنین طی تدریس چکیده نویسی در
دوره‌های آشنایی با فعالیت‌های اطلاع رسانی در مرکز استاد و مدارک علمی و دیگر مراکز و سازمان‌ها،
گاه دیده می‌شد که بعضی موارد در ذهن همکاران یک شرکت کننده‌گان در کلایسه، ابهام‌ها و اشکال‌هایی
وجود دارد. در اینجا می‌خواهیم این ابهام‌ها و اشکال‌ها را مورد بررسی قرار دهیم و درباره مسائل مربوط
به آنها گفتگو کنیم:

۱- آیا چکیده همان خلاصه است؟

این سوال غالباً مطرح بوده و است که آیا چکیده همان خلاصه است. جواب ما اینست که
خیر. اگر پرسیده شود چرا، می‌گوییم که این این است که به دنبال آن می‌آید.

الف- خلاصه بعده: به مفهوم ساده کردن ندیدیک است. چکیده هرگز به مفهوم ساده کردن مطالب ندیدیک
نیست. ما در چکیده هیچگاه مطلب را برای محقق ساده نمی‌کنیم.

ب- خلاصه گاه بمعنى مباني است. (نظر خلاصه شیخ بهایی که مبانی علم حساب است، یا
مثالاً فیزیک، یا برای سال‌های چهارم دبیرستان که مبانی علم علم است.) مفهوم "مبانی" به
اعترافی به مفهوم "کلیات" ندیدیک است. "مبانی فلسفه برای سال‌های ابتدایی" یا "مبانی صرف و نحو
عربی برای دبیرستانها". بنابراین خلاصه یک موضوع، معنی بیان کلیات آن موضوع با صرف‌نظر از ذکر
جزئیات بسیار در مورد چکیده را نمی‌توان چنین حکمی داد چرا که گاه در یک مدرک علمی،
"جزئیات" خود حاوی ارزش اطلاعاتی اساسی برای محقق است. حتی در بسیاری از موارد در "جزئیات"
یک مقاله، مطالبی هست که مهم‌تر که کل مقاله برای محقق منحصر دارد. درست در همان جاست.

۱- در اینصورت "مبانی" معادل "اصول" است و این هنگام است که "اصول" در یکی از مبانی خود
مقابل مفهوم "فروع" قرار می‌گیرد. نگاه کنید به یادداشت شماره (۱۲).
بهمین اعتبار است که مختصات زرف بین غالباً اصることは در هر چه کوتاهترکنند چکیده را روا ندانسته اند، چرا که این آمر موجب آن می شود که چکیده نویس به تجربه و تعمیق بپردازد و کلی گویی کند و پیداست که در کلی گویی و کلی نویسی نمی توان اطلاعات و آگاهی های ویژه و تخصصی داد. فراموش تکنیک که محقق از انگا به محقق است، کلیات را خود از پیش می داند.

ج- در خلاصه گاه از مهمترین مباحث یک صرف صرف نظر می کند، اما در چکیده ملزم هستیم که حتماً مهمترین مباحث را بدون استناد منعکس کنیم.

د- خلاصه کردن یعنی مطلبی با مدرکی را برای گروه هایی که یا (1) صرفاً از لحاظ سنی، یا (2) بطور کلی از جهت زمینه حرفه و توانایی های علمی، و یا (3) از لحاظ علایق فرهنگی در شرایط معینی هستند، قابل استفاده کنیم.

در مورد 1 و 2 خلاصه ساخت شیب پهنا، کتاب صرف میراولیف مریسپیدریف جرجاتی (در صرف زبان عربی)، الفونیکه الصمدمی شیخ بهائی (در نحو زبان عربی)، تقریباً همه کتابخانه دیسانتی، دیسرانتی و مدرسی ای را می توان مثال یزد. در مورد 3 تمام خلاصه های کتیب ادبی، خلاصه داستانهای فردوسی، خلاصه بی‌منوی، خلاصه داستانهای زبان میانه بزرگ، بسته کتاب در بیست مقاله، ۵۲ کتاب در یک کتاب، نیز کتابخانه تئر خلاصه اخبار (تئر خوانده مدرک)، در تاریخ بفارسی، اولین قرن ۱۰ ه ق، خلاصه الافلاک (تئر ابوطالب اصفهانی) در شرح حال و آثار شاعر فارسی، قرن ۱۳ ه ق، و مانند اینها را می توان یک کرد. اما چکیده بر اساس هیچکی از این سه مورد نوشته نمی شود.

در مورد 1 و 2 و 3 باید قضا به سیار روشن است. در مورد سوم دیدیم که خلاصه کردن برای آنها است که علایق فرهنگی‌شناس یک محدود است، یعنی برای دیگر در این مورد، خوانندگان به اساس حوصله، طرفیت، و میزان علایق علمی و فرهنگی خود، فقط 8 مقدار وقت حاضر است برای موضوع مورد نظر صرف کنند، ما بعنوان خلاصه کننده، مدرک علمی یا فرهنگی یا هنری را برای او و مناسب با حواله و حصوله 

1 یلی علایق فرهنگی را نیاپد مطلق گرفت چنانکه ممکن است کسی فیزیکدان برجسته ای باشد.

2 الوی علایق فرهنگی مثالاً در زمینه علم کلام اسلامی یا تاریخ نقاشی در زاین انگک و محدود

باشد.

نوشتند که در زبان های قدیم یکی از شاهان یک روز تاریخ یادشان و عالمان دربار خود را خواهند گفت و گفت می خواها تاریخ عالم را از هبوط آدم علمی للسلام تا امروز برای می خوانند. خواننده نیز برای کتاب را در پیج جلد خلاصه کردن. خواننده نیز رسیده، یا دقت خلاصه کنید، همچنین گفت خلاصه کنید. سراهای عالمان رفت. این کافی برای برامند و بر روی آن نوشته که بیش از آن می آید به ان جهان می آید، جنگ زندگی و سبب می دردند: و ان را یک راه یاد دهند. البته هرچه معلوم نبین که این اب این

عمل، شاه را خوش آمد با بر عالم خوش گرفت!
وقتی که می‌توانند برای این کار بگذارند، خلاصه‌می‌کنیم. در حالی که چکیده برای محققان است که

بطور کلی در خلاصه‌ی (در هر سه مورد) در واقع چه‌چیز باید ندانند.

خوانندگی و درست می‌کنیم، اما در

چکیده مطلب بکلی از قرار دیگری است. چکیده برای این است که محقق بتواند ببیند و

جداکر مدرک را از نظر بگذراند. فرض کنید که یک نفر محقق در مقدار وقت (حداکثر وقت واقعی

یک محقق) بدون استفاده از چکیده، ترها بتواند B مقدار مدرک مورد نیاز خود را ببیند، ما از طریق

خدمات چکیده نوسی و در این می‌کنیم که در همین مقدار وقت، جنین بتواند B مقدار مدرک را از

نظر بگذراند. بنابراین، می‌توان گفت که اصولاً "فلسفه" خلاصه نوسی و چکیده نوسی از هم جداست.

چکیده برای خدمت به محقق و متخصص و بمنظور صرفه جویی در وقت است. خلاصه‌ای برای خدمت

به غیر محقق و غیر متخصص است.

1- هدف خلاصه کردن بطور عمده در خود آن است. متن را خلاصه کنیم با این اعتقاد که برای

گروه‌سی معین در شرایطی معین، این خلاصه "کافی" است. ابتلا ممکن است کسی، مثل‌اکس خواننده

خلاصه دستیار رسمی و سهول فردی علاوه سه بهتر شود که "اصل" و "غیراصل" آن را در شناسایی بخواند.

ولی تنی توان گفت که این امر زاماً هدف خلاصه کنند بوده است. چنانه مثالاً در "بیست کتاب در

بیست مقاله"، هدف اصلی و اساسی مؤلف و خلاصه کننده بی نیاز کردن خواننده از آن بیست

کتاب بوده است. علاوه‌اپرین در برخی از موارد (مثل آن در بعضی از کتاب‌های

درسی) این جهت تعیین وجود دارد که خواننده و دانش‌آموز را به اصل متن علاقه مند کند، اما

میزان این جهت گری نسبت به کل موارد انک است و هدف خلاصه کردن عمداً در خود آن است.

بخلاف چکیده نوسی که هدف آن در خود آن است، در چکیده، هدف بی نیاز کردن خواننده

نسبت به بیلکه این است که محقق و متخصص در جهت دستیابی به مدارک مورد نیاز واقعی خود

راهمانی شود. 3

2- بعضی گفته‌های این که چکیده تمام نمای به جامع استفاده کنند را از اصل مدرک بی نیاز می‌کنند باعتقاد ما اگر

این به معنی که در برخی موارد تا حدی بی نیاز می‌کند، سخت‌شان نمودانه قابل یاد و یاد گر نمی‌گویند.

یک مثال به بهترین می‌کند. سخت‌شان مطلقًا اشتهای است. اما زمان‌‌ها صاحب‌نظران رفیق بین هم‌هایی که

در کار تحقیق، چکیده را تنها توان در رفتار "حساب سختی اما در شرایطی که محقق به طبیعت تنواخته

باند اصل مدرک هست باید.

3- بعضی گفته‌های این که هم چکیده و هم خلاصه باک مدرک به هم می‌นานد و در ضمن سخت می‌شود به

خلاصه عمیق‌تر یک نظر می‌کنند و چکیده می‌تواند به در خلاصه‌ی انتخاب و گزینش و هم در خلاصه‌ی انتخاب و گزینش و لذا توغرد و پر مطالب هست.

بنابراین، می‌گفت که در منعی و سیم چکیده آیا "راهنا" است.
و هر چند که هم در چکیده و هم در خلاصه - در هر دو - انتخاب و گزینش و لذا نوعی رد و قبول مطالب موجود در مدرک مورد نظر هست، اما ضابطه انتخاب در این دو یکی با هم فرق می‌کند. در خلاصه گلی ترین و اعمتیری و غیب دلسیدنترین مطالب انتخاب می‌شود. در چکیده، نمی‌بودن و مفید بودن مطلب به‌نوعی منحصر و متخصص است که ضابطه انتخاب است.

توضیح عموماً از یک کتاب یا یکی از دانش‌ها یا یکش معنی از معنای بشری صورت می‌گیرد.

خلاصه تاریخ تبدیل خلاصه، مطالعه تاریخ ساسانیان، و غیره - اما چکیده، به‌طور عمده از مقالات [مجله] است که صورت می‌گیرد. آن‌ها بیشتر از مقالات در زمینه علم و علوم اجتماعی اینها آیا می‌تواند در همه رشته‌های متفاوت از هر دو دانست و ادبیات، چکیده به‌کار رود، بحث و سایر ابزار است که باید با یکی از این دو کتاب راه‌یافته باشد.

ابن بود ناتوان اساسی تفاوت بین چکیده و خلاصه. حال ممکن است کسی به ما بگوید که این تفاوت‌ها به ذکر کرده‌اید در واقع تفاوت بین "Abstract" و "خلاصه" این است که "Abstract" و "خلاصه" چکیده به معنای مجموع خود تفاوت قرار دارد و تنها در معنای اصطلاحی گرفته‌اید و این معنی را بر آن برکه‌اید این تفاوت‌ها را با انتخاب عمده از مقالات صورت می‌گیرد. پس این امر کلیت ندارد. چکیده، امرز چکیده نویسی از گزارش‌ها و رساله‌های علمی، فرهنگی و سیاسی نیز کاملاً معنی است. چکیده حتی ممکن است چکیده محاصره یکی از زمان‌داران با خاطرات سیاسی یکی از جراید دولت‌دار. چکیده؛ از وضعیت هر دویغی‌های سیاست‌ها می‌باشد. بازگشایی من 규정 می‌باشد و راهبردی سیاست‌ها از طریق خلاصه کردن، کشته است. معروف است که "خلاصه" هزینه قدر نیست ظرف‌آوری و زیست‌پایی "کردن اندیده و هنر" و آن را که آن این قبل از وضعیت بین آن است است. من معنی کنن و انتقال دهد، می‌تواند از آن تا آن جبهه رفت و آن که گفت: در انجا جنگ شاعری می‌باشد، انتظار دارد. چکیده و خلاصه، این انتخاب آگاهی کردن اندیده و هنر را بر اساس که چکیده کردن آنها را نباید به‌معنی یکسانی داشته باشد. به‌معنی خواهان داشته، به‌معنی چکیده کردن آنها را با بر همان اندیده و یکسانی داشته. به‌معنی داشته که داشته در هر مدرکی که در نقد و تنظیم و بررسی آثار ادبی و هنری باشد، حساسیت‌های اندیده و یکسانی داشته و بر اساس آثار ادبی و هنری داشته که داشته در هر مدرکی که در نقد و تنظیم و بررسی آثار ادبی و هنری باشد، حساسیت‌های اندیده و یکسانی داشته، به‌معنی توان ناپایدار می‌باشد. چکیده کنن، پیش‌تر، نیز باعث داشته که داشته در نقد و تنظیم و بررسی آثار ادبی و هنری باشد، حساسیت‌های اندیده و یکسانی داشته، به‌معنی داشته که داشته در هر مدرکی که در نقد و تنظیم و بررسی آثار ادبی و هنری باشد، حساسیت‌های اندیده و یکسانی داشته، به‌معنی داشته که داشته در هر مدرکی که در نقد و تنظیم و بررسی آثار ادبی و هنری باشد، حساسیت‌های اندیده و یکسانی داشته، به‌معنی داشته که داشته در هر مدرکی که در نقد و تنظیم و بررسی آثار ادبی و هنری باشد، حساسیت‌های اندیده و یکسانی داشته، به‌معنی داشته که داشته در هر مدرکی که در نقد و تنظیم و بررسی آثار ادبی و هنری باشد، حساسیت‌های اندیده و یکسانی داشته.
خلاصه بی‌پدیده است و با توجه به تجزیه و تحلیل غیرال алый خلاصه (با کلمه‌ای نظیر آن) را مدل‌آمیک. آن کلمه‌های نظیر) و "چیده" در جهت معکوس قائل شد. این حرف البته کاملاً بی‌وجه نیست و از فکر و تامل هم خالی نیست، نه تنها یک مطلب است که در این سخن به آن توجه نشده است و آن اینست که: اول، چکیده در همان معناه عرفی خود نیز تفاوت‌های با خلاصه دارد (که منابع در این محتوایی در پراگرلی به بیان این اتفاقات بهبودی)؛ ثانیاً، کلمه چکیده از کلمه خلاصه — از هر کلمه دیگری که در این زمینه عبارت چودری که در این زمینه عبارت چودری که در این زمینه عبارت چودری که در این زمینه عبارت چودری که در این زمینه عبارت چودری که در این زمینه عبارت چودری که در این زمینه عبارت چودری که در این زمینه عبارت چودری که در این زمینه عبارت چودری که در این زمینه عبارت چودری که در این زمینه عبارت چودری که در این زمینه عبارت چودری که در این زمینه عبارت چودری که در این زمینه عبارت چودری که در این زمینه عبارت چودری که در این زمینه عبارت چودری که در این زمینه عبارت چودری که در این زمینه عبارت چودری که در این زمینه عبارت چودری که در این زمینه عبارت چودری که در این زمینه عبارت چودری که در این زمینه عبارت چودری که در این زمینه عبارت چودری که در این زمینه عبارت چودری که در این زمینه عبارت چودری که در این زمینه عبارت چودری که در این زمینه عبارت چودری که در این زمینه عبارت چودری که در این زمینه عبارت چودری که در این زمینه عبارت چودری که در این زمینه عبارت چودری که در این زمینه عبارت چودری که در این زمینه عبارت چودری که در این زمینه عبارت چودری که در این زمینه عبارت چودری که در این زمینه عبارت چودری که در این زمینه عبارت چودری که در این زمینه عبارت چودری که در این زمینه عبارت چودری که در این زمینه عبارت چودری که در این زمینه عبارت چودری که در این زمینه عبارت چودری که در این زمینه عبارت چودری که در این زمینه عبارت چودری که در این زمینه عبارت چودری که در این زمینه عبارت چودری که در این زمینه عبارت چودری که در این زمینه عبارت چودری که در این زمینه عبارت چودری که در این زمینه عبارت چودری که در این زمینه عبارت چودری که در این زمینه عبارت چودری که در این زمینه عبارت چودری که در این زمینه عبارت چودری که در این زمینه عبارت چودری که در این زمینه عبارت چودری که در این زمینه عبارت چودری که در این زمینه عبارت چودری که در این زمینه عبارت چودری که در این زمینه عبارت چودری که در این زمینه عبارت چودری که در این زمینه عبارت چودری که در این زمینه عبارت چودری که در این زمینه عبارت چودری که در این زمینه عبارت چودری که در این زمینه عبارت چودری که در این زمینه عبارت چودری که در این زمینه عبارت چودری که در این زمینه عبارت چودری که در این زمینه عبارت چودری که در این زمینه عبارت چودری که در این زمینه عبارت چودری که در این زمینه عبارت چودری که در این زمینه عبارت چودری که در این زمینه عبارت چودری که در این زمینه عبارت چودری که در این زمینه عبارت چودری که در این زمینه عبارت چودری که در این زمینه عبارت چودری که در این زمینه عبارت چودری که در این زمینه عبارت چودری که در این زمینه عبارت چودری که در این زمینه عبارت چودری که در این زمینه عبارت چودری که در این زمینه عبارت چودری که در این زمینه عبارت چودری که در این زمینه عبارت چودری که در این زمینه عبارت چودری که در این زمینه عبارت چودری که در این زمینه عبارت چودری که در این زمینه عبارت چودری که در این زمینه عبارت چودری که در این زمینه عبارت چودری که در این زمینه عبارت چودری که در این زمینه عبارت چودری که در این زمینه عبارت چودری که در این زمینه عبارت چودری که در این زمینه عبارت چودری که در این زمینه عبارت چودری که در این زمینه عبارت چودری که در این زمینه عبارت چودری که در این زمینه عبارت چودری که در این زمینه عبارت چودری که در این زمینه عبارت چودری که در این زمینه عبارت چودری که در این زمینه عبارت چودری که در این زمینه عبارت چودری که در این زمینه عبارت چودری که در این زمیتاع.image.pdf
یکی از اصول چکیده نویسی این است که "چکیده باید حتی امکان کوتاه پاسخ اصلی دیگر
این است که "چکیده باید برای استفاده کننده کلماً روش و قائل فهم باشد. این دو اصل با هم
متناظر و یا صحیحتر بگوییم منافع و متعارض اند و غالباً جمع بین این دو برای یکی در عمل تولید
اشکال می کند و شاید در ذهن هم آن را کم و بیش غیرقابل دپیکت می دانند.
اما اصول متناظر، هم وجود دارد و هم جمع بین این امکان پذیر است و این امر منحصر به فن
چکیده نویسی نیست. در سیاست از موارد و در خیال از فنون، دانشها و معرفت برخی دیگر جدا
برای نمودن به جنگ مورد اشاره می کنیم:
الف - در تعلیم و تربیت، اصول، غالباً دو دو یا هم متناظر اند. از جمله اصل "آزادی" و اصل
"سندیت و اعتبار":

- اصل آزادی - در طبق این اصل باید کودک را آزاد گذاشته که به امور مورد علاقه و رعیت
خود بپردازد. سلامت روح و رشد و شفافیت شخصیت طلبه وابسته به این اصل است.

1 - اصل "در لغت به معنی بیخ و بن و سیباد و ریشه است. در عرف گاه در مقابل "فرغ و "گاه در مقابل "بند" استعمال
در فلسفه به معنی "ریخته، منشأ و مدرع، شروع، استحیال، اول، و معادل آنها" می‌باشد. چکیده
بخشین‌ندیان در یک بافت اصلی عالم وجود و موجودات یونان و یاد و یاد در شناخت شناسی اصل و مشاهده
مصرف شده و شود.

و اما موارد ما از اصل "در چکیده نویسی" و "هیچ‌چیز در معنی از علوم و فنون و معرفت و مورد سیاست دیگر"، صدر
و بلاک با شایعه عالم و گاه "مصدر عملاً و رفتار است. چکیده کاریم اصل با مصدر عملاً چکیده نویسی، اصل با
مصدر عملاً و رفتار تروریست، اصل با مصدر عملاً و رفتار اخلاقی، و غیره.

اصلاً غیر از قانون است، اصول می توانند با یکدیگر، "متناظر" یا "مشابه"، در مورد قانون است که از امکان امکان ممکن نیست.

2 - اصول غیر و به معنی "ریخته و تربیت، در مورد آموزش و پرورش، "حکایت و تربیت"، به حکایت برداشته است.

3 - Principe de liberalite.
2- اصل سندهت و اعتبار یا اصل سلسله و حجیت ۱ - مرتب در عین اینکه برای اصل آزادی احترام قائل است و از اهمیت آن آگاه است، نمی‌تواند دست رود بگذارد و حرکات آزادی طرف را تماماً کند. مرتب نمایندهی آرزویی جامعه است و برجای اصل سلسله بايد کودک را در جهت سیر تمدن و فرهنگی انسانی سوق دهد و در این کار هم غایباً لازم می‌آید که از خواست و لذت آلین طرف صرفونظر کند. بالاخره، در یک کلاس، عده ای هستند که بیشتر دوست داردند در ساعت درس در حیاط مدرسه باید کودک تا درص معلم مثل‌ا در باب و جهت تزامی ایجاد‌ها و بارها گوش کنند. پایین با اعمال نفوذ به حریم آزادی آنان تجاوز کرد.

همین اعمال نفوذ و "تجاوز به حریم آزادی" است که به‌جای می‌سازد. بدون اصل سلسله، رابطه بین در طرف تعیین و ترتیب (مثل‌ا شاهرخ و معلم) به معنی است، اما از طرف دیگر، اهمیت اصل آزادی در رشد و نگهداری شخصیت کودک مورد تأیید است. ظاهرانهً نظر می‌رسد که این دو از هر یک سوخته، روا و جهاد می‌کنند و باعث صیانت می‌شود. اما درست بعکسی، این اصول تنها در حال اینکه یک دیگر است که کامل‌ا یا جهاد‌ا هستند. ۲ - مرتب خوب و موفق کسی است که بتواند در کار تربیتی خود این دو اصل را با هم جمع کند. همچنان، چکیده‌‌ویک خوب و موفق نیز کسی است که بتواند دو اصل مورد نظر در چکیده‌نویسی را که به آن‌ها اشاره کرده، بخوبی با هم جمع و ترکیب کند.

ب در ترجمه، از طرفی می‌گویند که ترجمه خوب، یا در زبان ترجمه سلیس و روشی و از هر جهت متفاوت ساخته و روح این زبان باشد و از طرف دیگر گفته می‌شود که ترجمه خوب، یا باید کامل‌ا به اصل وفادار باشد و معنادی را از زبان اصلی دقیقاً به زبان ترجمه انتقال دهد و این دو اصل که در تنافض با هم است، هر کدام کمال اهمیت را دارند. متوجهی خوب و موفق کسی است که در ترجمه، او این دو اصل در حد علا مراهات شده باشد. چکیده نویس خوب و موفق هم کسی است که دو اصل ذکر شده مربوط به چکیده نویسی را در نهایت توانایی مراهات کند.

ج - در اختلاف، موضع به اصل صیانت نفس توجه به اصل دیگر خواهی را غیر ممکن نمی‌کند. به‌معنی جمع بین دو اصل "منافض". جز در موارد بسیار انداز و استنادی، همواره، هم ممکن است و هم کمالی عملی است.

غیر از این موارد، موارد دیگری هم هست که هر یک می‌توانند، مطلب مورد نظر را روشن کنند. اینکه گفته اند "خیر کلام ما قل" و "دب" (بهترین سخن آنت است که هم کوته و هم رسانده معنی باشد) و اینکه در علم معنوی صحبت خودداری از "اطناب ممل" و "ایجاز مخل" می‌شود و بسیاری موارد و نمونه‌های دیگر هر کدام و به معنی‌ای که مورد نظر ماست تزیدیک است.

۳- تعريف دیگری از چکیده
در اینجا می‌خواهیم تجربه تازه‌ای از چکیده بسته‌های منابع به‌عنوان اینکه تجربه یک تجربه است... 1 اما برای اینکه تجربه مورد نظر از هر جهت بر خواندن روش باشد، نخست به ذکر مقدمه ای نیازمندیم. این مقدمه را در نهایت

اختصار بیان می‌کنیم:

در علوم و مهنده‌ای ارتباطات و بیماری‌های در نظرنگرفتن ارتباطات ۲، مفهوم اساسی و بسیار با اهمیت وجود دارد که عبارتند از: حشوه (ردمودنی) ۳ و اختلاف ۴ در اینجا تنبه به توضیح

مختصری درباره حشوه نیز می‌پذیردیم:

در دیتابیس که بنا بر نوبتی که می‌تواند یک دستگاه ارتباطی، در مدت زمان معین، انتقال ۵ مقدار پیام را داشته باشد، اما در این مدت زمان معیین (با ضرب اینکه دستگاه مرتب کار کرده باشد) اصلی‌تر از مقدار پیام بوشیله دستگاه انتقال ۶ پیام در داده باشد. این آمر بعلت حشوه و تکراری است که در

مجرای ارتباط با پیام همراه شده است. مقدار حشوه، همواره به مقدار اطلاع نسبت می‌دهد.

در علوم و مهنده‌ای ارتباطات، آزادی معنی (خالی از رهیایی، دکه از حشوه، دارای اهمیت بسیار است و

نوعی که به طولانی‌تر از این مقدار حشوه پایه و تشکیل رابطه اسلامی در اثر این اساس تحقیقات خود را بسط داده‌اند. مهنده می‌کوند تا در جریان

ارتباطی، جنبه اقتصادی، از هر جهت مراعات شود. هدف آنها ایستاده که استفاده از

دستگاه‌های ارتباطی با صرف کمترین فشار و گرفتن بیشتری باره اطلاعاتی افاعل می‌گیرد.

1 - از راحتی‌سازی تجربه چکیده این است: چکیده یک بصر جذاب است از ارائه، و فضاهای مدرک بسیار که

یافت با خواندن آن بتواند برای خود معلوم کند که آیا برای دیده به کار می‌آید یا نه یا تعیین در واقع نوعی

مصادره به مرحله است; مثل این است که کفشه‌ی چکیده یک بصر جذاب است از ارائه، و

دوم عبارت نیز در حفظ‌های قبیله چکیده را می‌رساند و جزئی تعیین نسبت می‌آید. در ادامه مقالات تکنیکی درباره چکیده چکیده یک بصر جذاب است از ارائه، و

چکیده نوعی به کمیت و کانسپت و نیاز ارتباط و اشکالهای وارد بر بعضی تعریف موجود از چکیده، در موضوع

به مختصری بسته، مطالب و اشاره‌ها خواهیم داشت.

2 - برای آسانی با تعریف ارتباطات، رجوع کنید به فهرست جدول مقالات "مقدمات اطلاعی نوشته جلال مسوات

تحت عنوان "مقدمات مقدمات در علوم و مهنده ارتباطات: نظریه اطلاعات، دره مهندس، سمیا دوم، سال ۱۳۴۲، می

۴۱-۱۰۹. ۱۱ این مقاوم نامه است و ادامه آن را در شماره‌های بعدی می‌پذیره ملاحظه خواهید کرد. در ادامه این مقاله

همچنین درباره حشوه نیز مطالب بالسمی مفصل خواهیم داشت.

3 - Redundancy

4 - Noise.
بازی، می‌توان گفت که «حشو»، هرگونه اسراف در بکاربردن علائم و کلمات است. متخصصان
می‌گویند هرگاه دسته‌ای از علایم که تشکیل بنا می‌داده اند را در نظر گرفتند، در صورتی که
بتون این رشته را به عنوان آنکه به محتوی اطلاعات لطمه ای وارد شود، کوتاه فاقد خاصیتی از آن را
حذف کرد. پیام این‌طور «حشو» است. بعبارت دیگر، حشو آن چیزی است که در یک پیام قابل
حذف است بدون آنکه به محتوی اطلاعاتی آن پیام‌سازی ای وارد نشده.
اما نبايد پنداشت که «حشو» مطلعاً منفی است. مهندسان و متخصصان علوم ارتباطات خود، «حشو»
را به دو گروه تخمین و لازم و خلا و غیرلزمن تفکیک می‌کنند. این حشو، که محتوی اطلاعاتی را در نظر
آورده است این‌طور است که فرد توانسته با اضافه‌ی حفظ می‌کند و می‌توان یکمک آن اطلاعات اسبی بدهد با
دست رفته را در همزمان با یکی‌ها از حرکات و حرکات و حرکات، حس قفل می‌کند و لازم است که آن جز
نخواهد شود. روشی که در کتاب Claude E. Shannon این‌طور بیان گردد که در مکالمه تلفنی و مانند این
پاره‌ای نامه‌ها، اطلاعات شده و اسبی بدهد یا نشده باید به
حشو می‌توان است که جبران می‌کنم. اما این‌همه نه وقت که مطلق‌اً از حشو صحتی که می‌کنیم
منظور حشو خالی و غیرلزمن است.
در سلسله اعداد حشو وجود دارد. شماره تلفنی که لازم داشته ایم و دوستان باش داشته ایم
در صورت وجود هرگونه نقص، اشتیاق و افتادگی حتی در یکی از این قسمت، «حشو» است یا یک اصل مقیاس
برابر هیچ، بدون آرزو اطلاعاتی و بی‌فایده، اما به یک‌سان سلسله اعداد، زبان طبیعی بر از حشو است
اعم از حسی افقی و حسی غیرلزمن بر طبق تحقیقاتی که مصور گرفته است، برای مثال، حس در
زبان‌های مختلف بین ۵۰ تا ۸۰ درصد است. کلولشانون در ارتباطات حساب کرده است که ۷۵ تا ۸۰ درصد زبان این‌گونه راید است.
در زبان آلمانی
تخمين زده اند که ۷۰ درصد مکالمات روزمره مصد می‌توان به
اگونی، این از ذکر این مقدمه، تعیین مورد نظر از چکیده را بی‌بست یک دهه: چکیده یک مدرک
عبارتست از انتخاب اطلاعات تازه و مفید در آن، و بیان این اطلاعات بحثی که از هر جهت، تا

1 - Redundancy.
2 - Leere Redundancy.
3 - در علوم همیشه نیز در مورد حشو بحث می‌شود. در اینجا حشو را به عنوان قسمت، مشوی و مفید تقسیم می
کند. در اینجا حشو می‌توان یک دهه: چکیده یک مدرک
حد امکان از حشو خالی باشد. در اینجا برای آگاهی بیشتر خوانندگان شاید لازم باشد توضیحی نیز اضافه کنیم: 

توضیح: چرا تعریف را ساده تر ترکیدیم و مثالی تفکیکی؟ چکیده عبارت است از برطرف کردن حشو از مدرک علمی مورد نظر؟ پاسخ مطلب بقرار زیر است: 

در نظریه ارباطات تازه و کهن بودن، مفید و غیرمفید بودن اطلاعات بهبود مطرح نیست. در این نظریه، اطلاعات ارزش گزاری نمی شود. با این حال، برای برطرف کردن حشو از اطلاعات است که مطرح است. در اینجا اطلاع اطلاع است چه چه چه کهن و یا کهن، چه یک اطلاع مثال انتخاب است. در مورد تریم اسناد که همسایه باشد به نظر می رسد که در حالی که ما در چکیده، ارزش گذاری (ارزش گذاری بلحاظ تازه بودن و مفید بودن اطلاع برای محققی) می کنیم. در چکیده انتخاب می کنیم و هر اطلاعی را معنی کنیم. علاوه بر این، برای نوشتن چکیده، باید سپس از انتخاب، مواد انتخاب شده را شکل داد و به آنها صورت بخشید.

از آنجا که چکیده نویس، علاوی اصول بايد متخصص موضوعی باشد، خود می داند که در یک مدرک، رسولن کدام اطلاع برای محقق لازم است و کدام نیست. اگر ادعا می کنیم هر اطلاعات را بهمین معنی که در نظریه ارباطات هست تا حد امکان برطرف کند. آگاه این موارد (خالص) را شکل دهد و به بیان درآورد. اما در مرحله بیان نیز، باید تا حد امکان از بکار بردن حشو اجتناب ورود. این است که در تعریف چکیده تفکیکی: ...از هر جهت، تا حد امکان از حشو خالی باشد. یعنی هم موارد انتخاب شده باید تا آنجا که ممکن است، از حشو خالی باشد و هم صورت و نحوه بیان مطلب، چرا که چکیده از این دو - ماده و صورت - ساخته می شود.

دبیرخانه چکیده و چکیده نویسی نکات دیگری هم هست که در فرضتهای مناسب در همین نشريه در مورد آنها سخن خواهیم گفت.

با داداشت‌ها

(1) در اینصورت "محبی" معادل "اصول" است و این هنگامی است که "اصول" در یکی از معانی خود مقابل مفهوم "فرهنگ" قرار می گیرد. نگاه کنید به [ادا داشت شماره (12)].

(2) خلاصه علاقه فرهنگی را باید مطلق گرفت. چنانچه ممکن است کسی فرهنگیان بر جسته ای باشد، ولی علاقه فرهنگی مثل آن در زمینه علم کلام اسلامی از تاریخ نافذی در زاین اندک و محدود باشد.

\footnote{در ادامه سلسله مقالات "محفوم اطلاع" که در بادداشت شماره (15) به آن اشاره شد، باید نیز تحت عنوان "تسکین‌های ارتباطی و سلسله ارزش‌ها" خواهیم داشت.}
\footnote{بادداشت شماره (9) را مورور کنید.}
(۳) نوشته‌ای اند که در زمان‌های قدیمی‌یکی از شاهان یک روز تاریخ‌دانان و عالمان دربار خود را فرا خواند و گفت می‌خواهم تاریخ عالم را از هیبو آدم عليه السلام تا امروز برای من خلاصه کنم. عالمان رفتند و تاریخ عالم را آن‌جان که او خواسته بود از هیبو آدم تا روزگار سلطان در سی جلد تدوین کرده و از آن‌ها شاه گفت: آیندهٔ چگونه می‌توان خوانند؟ خلاصه کنید؟ عالمان کتابی در هنگام خلاصه‌کردن شاه باز نپسندید و گفت خلاصه کنید و همچنین گفت خلاصه کنید. سرانجام عالمان رفتند، تکه کاغذی برداشتند و بر روی آن نوشتند که: پیش از ما عده‌ای به این جهان آمدند، چندی زیستند و سپس مردند، آن را پیش شاه بردند. البته هیچ معلوم نیست که آیا این عمل، شاه را خوش آمد با عالمان خشم گرفت!

(۴) بعضی گفت‌های این که: چگونه تمام نما یا جامع، استفاده کنندرا از اصل مدرک پی نیاز می‌کند. اعتقاد ما اگر این‌چنین که در برخی موارد تا حدی پی نیاز می‌کند، سخن‌شناسی می‌تواند قابل قبول باشد ولی اگر بگویند، نبطور مطلق پی نیاز می‌کند، سخن‌شناسی مطلقاً اشتیاق است.

امروز، صاحب‌نظران زرف بین هم‌واره تذكرت می‌دهند که در کار تحقیق، چگونه را نمی‌توان در ردخیف منابع به‌بسیار آورند. اما در شرايطی که محقق به‌خیچ طریقه تنوانشته باشد، به اصل مدرک دست یاد.

(۵) چنان‌که می‌دانیم نوعی از چگونه را چگونه یا نامیده ایند، اما یا پیدا گفت که در معنای وسیع‌تر چگونه ای‌راهنما است.

(۶) بعضی گفت‌های این که هم چگونه و هم خلاصه‌ی پی مدرک، همان مدرک است منتهی با حجم اندک، ولی این تصویر خطاهایی زیرا همانطور که گفتنی هم در چگونه و هم در خلاصه انتخاب و گریش و لذا نوعی ردعیقوال مطالعه‌هست. بنابراین، نه چگونه و نه خلاصه، به‌خیچ‌مکیروپایل نیست.

(۷) گفتیم چگونه یک طرف عمدی از مقالات صورت می‌گیرد. پس این چگونه نتیجه ندارند چنان‌که امروز چگونه نوپایزی از گزارش‌ها و رساله‌های علمی، فرهنگی و سیاسی نباید کلی به مهربان است. چگونه حکمت می‌کنم است چگونه مصباحی یکی از زمان‌داران با خاطرات سیاسی یکی از رجال دوست باید. چگونه از تالیف و نگاه‌پردازی ها از دارایی، باید در بعضی از کشورهای اروپایی چگونه کردن پایان نامه‌های تحصیلی در دورهٔ دکترای در رشته‌های مختلف، نیز نوسه و رواج بسیار پایه‌ای است.

(۸) یا پیداست که امروز بسیاری از صاحب‌نظران، خلاصه کردن آثار ادبی و هنری را کاری بی‌معنی می‌دانند. نظر آنها بر این است که (خلاصه) هرگز قادیر نیست ظرافت و زیبایی‌های آثار ادبی و هنری را که ارزش این قابل نیز در واقع بسته به آن است، منعکس کند و انتقال دهد. بعضی از آنان تا آنجا پیش رفتند که گفتند، خلاصه
کردن، کشتی است. معروف است که اشکال تسپایک، وقتی خلاصه یکی از رمان‌های داستان‌سازی‌ها را دید گفت: در اینجا چیزی ضایع شده است، در اینجا همه چیز ضایع شده.

است.

حال اگر خلاقیت کردن آثار ادبی و هنری را بر اساس یک ذکر شخصی می‌دانیم پیداست که چیکیه کردن آنها را نیز بر همان اساس می‌گویند خواهیم دانست. البته یاد باید توجه داشت که مقاله، رسالات و هر نوع مدرکی که در تدفین و تحلیل و بررسی آثار ادبی و هنری باشد، حساسیت جدایی دارد.

(9) - چنانکه می‌دانیم برای چیکیه انواع ذکر کرده اند، اما بعضی از این انواع (مثلًا چیکیه عنوانی و چیکیه زمردانی) را اصولاً نمی‌توان چیکیده دانست. بطور کلی چیکیده شامل سه نوع بیشتر نیست: چیکیده تمام نما، چیکیده راهنمای و چیکیده که مخلوطی از این دو است (چیکیده هایی که برای استفاده از کامپیوتر بکار می‌رود حساسیت جداست). در این مقاله، همه چیز جامعه، چیز جامعه تاریخ، چیز تاریخ و این به چیکیده تمام نشان داده می‌شود. چیکیده تمام نما با جامع informative لحاظ انتقال اطلاعات پهلوی و عالیترین نوع چیکیده است. در جامعه های پیشرفته، در نهایت چیکیده از مقالات دقیق و سنگین استفاده از این نوع چیکیده هر روز بیشتر رواج می‌یابد.

(10)و (11) - در شماره‌ای دیگر مقاله ای خواهیم داشت. تجربه عنوانی (خلاصه و چیکیده) و مفاهیم نزدیک به آنها که در آن مفاهيم‌های منتهب، جریه، برگزیده، گزینه، گزینه، زیبای، نهضت، ملزم، کارآمد، خلاصه، چیکیده، فشرده، عصره، لب، روز و نظیرها و ترکیبات و مشتق‌های هر یک پس از مواجهه به فرهنگها و لغتنامه‌های مختلف، تأمین لازم و اقدام به تعادلی از صحبت‌نان را به این در نظر و نظر مورد بررسی قرار می‌گیرد و در آن کوشش می‌شود تا حدود هر یک از این مفاهیم بدرستی مشخص گردد. این مقاله تا حدودی گزارش دیگر این کلمات را معین می‌کند و بهینه‌گونه در آن، بعضی، نکات و مسائل که مورد علاقه اهل اصل، نشان و دوستداران داشت و کتاب‌نویس بود، بررسی می‌شود و در این مقاله همچنان از توازن دو مفاهیم خلاصه و چیکیده در عمره ای و بی‌معنی و صحبت عمیق روش شده و هر این دوم به کمکه بیش از هر کلمه دیگر فارسی و عربی برای بیان مفاهیم، آستراک، مناسب است، مورد رسیدگی قرار می‌گیرد.

(12) - بر این اساس، امروز در کشورهای عربی، چیکیده کردن را استخلاص، چیکیده کنند. را مستندین و مجله چیکیده را مجله مستندین می‌گویند.

(13) - اصلیت در لغت معنی بیخ و بین و نیاید و ریشه است. در عرف گاه در مقابل "فرغ" و "گاه" در مقابل "بدل" استعمال می‌شود. در فلسفه معنی سرچشمه، منشاء و مصدر، شروع، اساس، آخر،
اول، و معادل آرخه یوناتی است. چنانکه حکم‌های نخستین یونات در پی یافتن اصل عالم وجود و
موجودات بوده اند و یا در شناخت شناسی از اصل و منشأ معروف بخی می شود.
و اما مارد ما از اصل در چیکده نویسی (و همچنین در بعضی از علوم و فنون و معارف، و موارد
سیاسی درگیر) چنین چیزی با ضایعه عمل و گاهی مصرف عمل و رفتار است. چنانکه گوییم اصل
با مصرف عمل چیکده نویسی، اصل مصرف عمل و رفتار تربیتی، اصل مصرف عمل و رفتار
اخلاقي، و غیره.

اصل غیر از قانون است. اصول می توانند با یکدیگر متناقض باشند. در مورد قانون است که چنین
امرو ممکن است.

(۱۴) - بسیاری از علمای برگ تعلم و تربیت، در اصول آموزش و پرورش و حل تناقضات
تربیتی، به بحث پرداخته اند. از میان آنان شاید بتوان گفت که بیشتر از همه کرشن اشتبایر
دانشمند نامدار آلمانی (۱۸۵۴-۱۹۲۴) است که در این مبحث، کتاب و مقالات و
Kerschensteiner
رساله نوشته است.

در میان کتاب‌های فارسی در این زمینه، کتاب زیدر از بسیاری جهات دارای ارزش است:

اصل آموزش و پرورش، تألیف دکتر محمد باقر هوشیار، جلد اول،
طرح اصل. چاب سوم. تهران، مؤسسه انتشارات امرکی، ۱۳۴۷.

(۱۵) - اصل نفر و اصل اجتماع نیز از همین قرار است.

(۱۶) - یکی از رایجترین تعاریف چیکده این است: چیکده یک مدرک عبارت است از خلاصه و
فسره مدرک به‌وجود که محقق با خواندن آن بتواند برای خود معلوم کند که آیا اصل مدرک به
کار او می‌آید یا نه. این تعریف در واقع نوعی یک مصدار به مطلب است؛ مثل این است که
گفتند: چیکده یک مدرک علمی عبارت است از چیکده. این... قسمت دوم عبارت نیز در
حقیقت قاپیده چیکده را می‌رساند و جزو تعریف نیست.

ما در ادابه مقالات تکانی درباره چیکده و چیکده نویسی راجع به کمها و کاستیها و نیز ابرداها
و اشکال‌های وارد بر بعضی تعاریف موجود از چیکده، در موضوع مختلف مهمانی، مطالب و
اشتاریا خواهند داشت.

(۱۷) - برای آشنایی با نظیره ارتباطات رجوع کنید به قسمت سوم از سلسله مقالات
"مفهوم اطلاع" نوشته جلال مسواک. تحت عنوان "مفهوم اطلاع در علوم و مهندسی ارتباطات";
نشریه اطلاع رسانی، دوره هشتم، شماره دوم، سال ۱۳۴۳، ص ۱۱۹-۱۷۸ این مقاله نام‌آمیز است و
ادامه آن را در شماره‌های بعدی همین نشریه ملاحظه خواهد کرد. در ادامه این مقاله همچنین
درباره "خوش" نیز مطالب بالسمه مفصلاً خواهند داشت.

(۱۸) - در علم بیشتر نیز در مورد "خوش" بحث می‌شود. در اینجا خوش را به سه نوع قبیح،
متوسط، و ملیح تقسیم می‌کنند. برای نمونه خوش ملیح را توضیح می‌دهیم:
حشو ملبس آنست که به عذوبت سخن بیفراید و آن را رونق دهد و ملاحت بخشید. به این بیت
حفظ توجه کنید:
پیر پیمانه کش من ۸ که روانش خوش باد گفت پرهیز کن از صحبت پیمان شکنان در این بیت عبارت "که روانش خوش باد" حشو است و حشو ملبس است.
(۱۹) در ادامه سلسله مقالات "مفهوم اطلاع" که در یادداشت شماره (۱۵) به آن اشاره شد، بحثی نیز تحت عنوان "دستگاه‌های ارتباطی و مسئله ارزش‌ها" خواهیم داشت.
(۲۰) یادداشت شماره (۹) را مرور کنید.